

تأثیر روش یادگیری مشارکتی در رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان* خلیل غفاری^۱، اسماعیل کاظم پور^۲

چکیده

هدف کلی پژوهش حاضر بررسی تأثیر روش یادگیری مشارکتی در رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دوره ابتدایی شهرستان الیگودرز می‌باشد، که به روش شبه آزمایشی با استفاده از طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل انجام یافت. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان پسر پایه چهارم ناحیه دو شهرستان الیگودرز به تعداد ۱۶۸۳ نفر می‌باشد. نمونه آماری این تحقیق ۶۱ نفر از دانش‌آموزان بود که به روش تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای، در دو گروه انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات آزمون محقق ساخته ای شامل ۴۵ سؤال بود که مهارت‌های اجتماعی را مورد بررسی قرار می‌دهد که پس از تأیید روایی، پایایی آن با روش موازی سازی آزمون‌های همتا، ۰.۷۴ محاسبه شد. در تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق از آزمون t استفاده شد. نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن بود که روش یادگیری مشارکتی در رشد مهارت‌های اجتماعی مربوط به احترام، انجام وظیفه، همکاری با دیگران، رعایت مقررات، دوست‌یابی، مسئولیت‌پذیری، فعالیت‌های گروهی در دانش‌آموزان تأثیر داشته، در حالی که در رشد مهارت‌های اجتماعی مربوط به تحمل‌پذیری و تفکر انتقادی در دانش‌آموزان تأثیر ندارد. از این رو، پیشنهاد می‌شود برای ایجاد و پرورش این مهارت‌ها در بین دانش‌آموزان دوره ابتدایی، طراحان و برنامه‌ریزان درسی، در پی تدوین برنامه‌های درسی و محتوای آموزشی بر اساس این رویکرد باشند.

کلید واژه‌ها: یادگیری مشارکتی، مهارت‌های اجتماعی، دوره ابتدایی.

دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۳/۲۱

پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۸/۱۵

* مقاله حاضر برگرفته از طرح پژوهشی با همین عنوان با حمایت دانشگاه آزاد اسلامی واحد الیگودرز انجام یافته است.

^۱. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد الیگودرز، ایران. نویسنده مسؤل:

ghaffari20500@gmail.com

^۲. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن، تنکابن، ایران. e.kazempour@toniau.ac.ir

مقدمه

نظام تعلیم و تربیت هر جامعه زیر بنای توسعه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن جامعه به شمار می‌رود. با بررسی عوامل تأثیرگذار در رشد کشورهای پیشرفته می‌توان دریافت که یکی از عوامل رشد و توسعه جوامع مذکور برخورداری از نظام‌های آموزشی توانمند، مؤثر مبتنی بر یافته‌های علمی و آکادمیک است. در سالهای اخیر مک کومبز^۱ (۱۹۹۵) متغیرهای مختلفی را که می‌توانند رشد و پیشرفت دانش‌آموزان را به لحاظ جسمانی، اجتماعی، عاطفی و شناختی فراهم سازند معرفی کرد که در بین آنها راهبردهای یاددهی-یادگیری ابزار مهمی برای تحقق هدف‌های فوق تلقی می‌گردد. مهمترین ابزار و فرایندی که می‌تواند مدارس را قادر به انجام فعالیت‌های فوق نماید استفاده از شیوه‌های تدریس فعال می‌باشد. یکی از اولین قدم‌های رسیدن به تعلیم و تربیت خلاق و فعال، پرهیز از روش‌های سنتی و به‌کارگیری روش‌های فعال آموزش مبتنی بر مهارت‌های تفکر و کاربرد اصول دموکراتیک در فرایند یاددهی-یادگیری می‌باشد (سلیمانپور، ۱۳۸۴، ص ۳۴). به زعم جانسون و همکاران^۲ (۲۰۰۰) سه نوع یادگیری عمده وجود دارد که در کلاس درس شکل می‌گیرند: یادگیری انفرادی؛ یادگیری رقابتی؛ یادگیری از طریق مشارکتی.

روش مشارکتی. منظور از روش مشارکتی^۳، نوعی روش یادگیری است که در آن یادگیرندگان در گروه‌های کوچک ۴ یا ۶ نفری به کمک هم به یادگیری مطالب می‌پردازند از ویژگی‌های این روش: تشکیل گروه‌های کوچک نامتجانس؛ داشتن هدف‌های روشن و قابل دسترس که همه اعضا؛ ارایه پاداش به موفقیت گروهی؛ وابسته بودن اعضا به یکدیگر؛ معلم به عنوان هدایت کننده؛ مسئولیت فردی فراگیرندگان؛ ارزشیابی از فرد؛ تغییر مدت کار (سیف، ۱۳۸۰، ص ۱۲۶). در همین راستا کاگان^۴ (۱۹۹۴) یادگیری از طریق مشارکتی را یک قالب آموزشی می‌داند که در آن گروه‌های کوچک و ناهمگن دانش‌آموزان برای رسیدن به هدف مشترک با هم کار می‌کنند (عالی، ۱۳۸۴، ص ۱۷). کوتنیک و بردوندینی^۴ (۲۰۰۸) یادگیری مشارکتی را راهبرد آموزشی موفقیت‌آمیزی می‌دانند که در گروه‌های کوچک، متشکل از دانش‌آموزان با سطوح متفاوت توانایی، فعالیت‌های گوناگون یادگیری را جهت بهبود درک یک موضوع به کار

^۱. Jahonson et al.

^۲. Collaborative method

^۳. Kagane

^۴. Kutnick & Berdondini

می‌گیرد. به زعم گوخال^۱ (۱۹۹۵) اصطلاح «یادگیری مشارکتی»^۲ به آن نوع روش آموزشی اطلاق می‌گردد که دانش‌آموزان در سطوح عملکردی متفاوت با هم در گروه‌های کوچک به سوی یک هدف مشترک گام بر می‌دارند. به نظر آلیسون^۳ در یادگیری از طریق مشارکتی نقش معلم از «داناى صحنه کلاس به راهنمای عمل» تغییر می‌یابد دانش‌آموزان اگر چه به صورت گروهی به یادگیری اقدام می‌کنند ولی پیشرفت آنان در یادگیری به صورت انفرادی سنجیده می‌شود (اسمیت و مک‌گریگور^۴، ۱۹۹۲).

عناصر اساسی یادگیری مشارکتی می‌تواند برای تمام روش‌های تعاملی ضروری به نظر رسد. گروه‌های دانش‌آموزی معمولاً کوچک اند و شامل دو تا شش نفر عضو می‌شوند که اصولاً باید ناهمگن باشند که دارای ویژگی‌هایی هستند: تشکیل گروه‌های کوچک نامتجانس، داشتن هدف‌های روشن، وابسته بودن اعضای گروه به یکدیگر، مشارکت برابر، تعامل متقابل، تعامل چهره به چهره، وابستگی درونی مثبت، پاسخگویی فردی، پدید آوردن و رشد مهارت‌های اجتماعی، ارزشیابی گروهی (مهجور، ۱۳۷۹؛ عالی، ۱۳۸۴؛ آقازاده، ۱۳۸۴؛ مدرسه ساسکاتون^۵، ۲۰۰۹).

مهارت‌های اجتماعی و مؤلفه‌های آن. مهارت‌های اجتماعی یکی از عناصر اجتماعی

شدن افراد در کلیه فرهنگ‌ها و جوامع است. این مهارت‌ها از سوی متخصصان از دهه‌های قبل برای تغییر رفتار مطرح بود. ولی این آموزش‌ها با مهارت‌های اجتماعی نظام دار مطرح در برنامه‌های سازمان بهداشت جهانی همخوانی نداشت. در سال ۱۹۹۱ راکز^۶ آموزش مهارت‌های اجتماعی را یک مرحله اصلی برای سازگاری افراد با دنیای جدید معرفی کرد. از طرف دیگر سال‌هاست که سازمان بهداشت جهانی و یونسف^۷ رویکرد مهارت‌های اجتماعی را به عنوان زیر مجموعه مهارت‌های زندگی مطرح کرده اند (بیرامی و مرادی، ۱۳۸۵، ص ۴۶).

^۱. Gokhale

^۲. Collaborative learning

^۳. Allison

^۴. Smith & Macgregor

^۵. Saskatoon public school

^۶. Rakez

^۷. UNICEF

مهارت‌های اجتماعی شامل مؤلفه‌هایی می‌باشد؛ تحمل‌پذیری، نحوه واکنش در مواجهه با تعارض؛ تفکر انتقادی، تصمیم به قبول یا قطع یک عقیده و موقعیت بر اساس دلایل و شواهد منطقی؛ مسئولیت‌پذیری، برعهده گرفتن کار یا وظیفه‌ای و پاسخگو بودن نسبت به آن؛ فعالیت‌های گروهی، شرکت در فعالیت‌های دسته جمعی؛ انجام وظیفه، انجام وظایف مربوط به یادگیری؛ رعایت مقررات، شناخت و پیروی از دستورالعمل‌ها؛ دوست‌یابی، به دست آوردن، غنی کردن و توسعه ارتباطات جدید با سایر افراد جامعه؛ احترام به دیگران، توجه به روابطی که موجب حفظ منزلت اجتماعی خود و دیگران می‌شود؛ همکاری، هماهنگی با اعمال دیگران در جهت هدف مشترک.

کارتلج و میلبرن^۱ ضمن تأکید بر اهمیت آموزش مهارت‌های اجتماعی به مراحل زیر در آموزش مهارت‌ها اشاره می‌کنند: انتخاب مهارت‌های اجتماعی، ارزیابی و سنجش مهارت‌های اجتماعی، طراحی فرایند آموزش، نگهداری و تعمیم مهارت‌های اجتماعی. کودکانی که مهارت‌های بین فردی بیشتری دارند، بهتر می‌توانند در فعالیت‌های دوستانه شرکت کنند. به زعم استفنز^۲ (۱۹۸۱) الگوی زیر بنایی آموزش مهارت‌های اجتماعی شامل عناصر زیر می‌باشد: تعریف رفتار مورد آموزش، ارزیابی سطح توانایی فراگیرنده، آموزش رفتارهایی که در پیشینه فراگیرنده وجود ندارد، ارزیابی یا سنجش مجدد نتایج آزمون، فراهم آوردن فرصت‌هایی برای تمرین و تعمیم یا انتقال رفتار به موقعیت جدید، که تمامی مراحل فوق باید کم و بیش در آموزش مهارت‌های اجتماعی به کار آید.

از سویی، از بین تمام سازمان‌هایی که نقش کلیدی در اجتماعی کردن افراد دارند نظام‌های آموزشی و به تبع آن مدارس اولین جایگاه رسمی جهت کسب تجربه‌های اجتماعی و از اساسی‌ترین عناصر رشد اجتماعی افراد محسوب می‌شوند. از آنجا که در دبستان، کودکان سنین ۶-۱۱ سالگی را سپری می‌کنند و در آستانه تحول رشد در سطوح همه جانبه می‌باشند، با در نظر گرفتن خصوصیات، نیازها و ویژگی‌های آنها در این سنین هدف‌های خاصی در این دوره مدنظر است که می‌توان آنها را به صورت زیر خلاصه نمود: ایجاد محیط مساعد برای تزکیه نفس، پرورش فضایل دینی و خصایل اخلاقی دانش‌آموزان، رشد استعداد‌های مختلف و خلاقیت یادگیرندگان، پرورش

^۱. Kart ledge & Millburn

^۲. Stephense

جسمانی دانش‌آموزان، رشد مهارت‌هایی که برای تداوم زندگی فرد به آن‌ها نیاز دارد، آموزش رفتارهای اجتماعی و آموزش بهداشت (مفیدی، ۱۳۷۲، ص ۷۸).

تحقیقات متعددی در زمینه نقش روش یادگیری مشارکتی در مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان انجام شده است؛ بر اساس نتایج به دست آمده از کرامتی (۱۳۸۱) روش یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی دختران و پسران مؤثر بوده است. پژوهش سلطانی (۱۳۸۴) نشان داد که روش یادگیری مشارکتی باعث افزایش مهارت‌های اجتماعی در متغیرهای مربوط به همکاری با دیگران، مسئولیت‌پذیری، فعالیت‌های گروهی و تحمل‌پذیری در دانش‌آموزان می‌شود. نتایج تحقیق قلناش (۱۳۸۳) حاکی از تأثیر مثبت یادگیری مشارکتی بر رشد برخی مؤلفه‌های مهارت اجتماعی نظیر: احترام به دیگران، همکاری، انجام وظیفه، رعایت مقررات، انجام وظیفه در برابر دیگران، دوست‌یابی، سؤال کردن، مسئولیت‌پذیری، گفتن و پذیرش جواب نه و شرکت در فعالیت‌های گروهی بود. کرامتی (۱۳۸۴) نشان داد که تأثیر جو اجتماعی مثبت مدارس یعنی مدارسی که روابط بین افراد مبتنی بر ابراز وجود، همدلی، همکاری و مسئولیت‌پذیری است، بر پرورش مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان بود. یافته‌های پژوهش فهامی و عزتی (۱۳۸۸) حاکی از تأثیر معنادار متغیر آزمایشی یعنی یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی است. در مطالعه‌ای هفنر^۱ (۱۹۸۹) نشان داد که دانش‌آموزان گروه‌های یادگیری مشارکتی در مقایسه با دانش‌آموزان گروه‌های سنتی از خود پنداری بالاتری برخوردار هستند. اسلاوین^۲ (۱۳۷۱) در پژوهشی بیان داشت که آزمودنی‌های گروه مشارکتی در مقایسه با آزمودنی‌های گروه سنتی، افزایش معناداری را در تعداد دوستان، نشان دادند. اما توماس (۱۹۹۵) در پژوهشی نشان داد که دو گروه آزمایش و گواه در دانش ریاضیاتی و سطوح درک آن با هم تفاوت ندارند و تفاوت معناداری در مهارت‌های اجتماعی، حل مسئله، مهارت‌های محاسباتی، علاقه یا ارزش‌گذاری به ریاضیات برای هر دو گروه مشاهده نشد. تحقیقاتی که توسط جویس و همکاران (۱۳۸۶) انجام شد، همگی بیانگر تأثیر مثبت یادگیری مشارکتی در کاهش رفتارهای مخل نظم و رشد حس وظیفه‌شناسی و رعایت مقررات و حضور منظم‌تر و کاهش برخورد با پلیس و افزایش نمره انضباط

^۱. Hefner

^۲. Slavin

یادگیرندگان است. پژوهش موریس^۱ (۲۰۰۲) حاکی از آن بود که یادگیری مشارکتی و آموزش مستقیم می‌تواند به دانش‌آموزان در شناسایی و درک ناتوانی‌های اجتماعی، پرورش راهبردهای حل مسأله، و تأمین رفتارهای مستقل خود نظم‌دهی آنها کمک کند. نتایج پژوهش فانگ لی^۲ (۲۰۰۲) حکایت از آن داشت که کاربرد یادگیری مشارکتی برای روابط اجتماعی میان معلمان و دانش‌آموزان مؤثر است. روابط مناسب میان معلمان و دانش‌آموزان را تسهیل می‌کند. تحقیق دیگری توسط گیلیس و آشمن^۳ (۲۰۰۳) نشان داد که کودکانی که در گروه‌های ساختاری شده فعالیت می‌کردند، برای کار کردن با یکدیگر علاقه و کمک‌های بیشتر، درک قوی‌تر از انسجام گروهی و مسئولیت اجتماعی برای مشارکت گروهی را نشان دادند. براساس پژوهش ولس^۴ (۲۰۰۵) فرهنگ حل مسأله دانش‌آموزان تأثیر گسترده‌تری بر تجارب هیجانی آنها در خلال جلسات یادگیری مشارکتی و احساس شان درباره یادگیری مشارکتی داشت. نتایج پژوهش بوئنو^۵ (۲۰۰۸) نشان داد که آموزش متمرکز بر یادگیری مشارکتی، مهارت‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد. بر اساس یافته‌های پژوهش پانیتز^۶ (۲۰۰۸) نتایج و مزایای یادگیری مشارکتی عبارتند از: پرورش مهارت‌های سطح عالی تفکر؛ ارتقای سطح تعامل معلم و دانش‌آموز؛ افزایش یادداری و پرورش اعتماد به نفس؛ افزایش رضایت دانش‌آموز از تجارب یادگیری؛ ارتقای نگرش مثبت به موضوع درسی؛ رشد مهارت‌های ارتباط کلامی و اجتماعی؛ ارتقای روابط رقابتی مثبت؛ ایجاد محیطی فعال؛ تقویت درک گوناگونی و اختلاف‌نظر؛ تقویت مسئولیت‌پذیری در یادگیری؛ تقویت تفکر انتقادی. چینگ^۷ (۲۰۰۹) در پژوهشی نشان داد که یادگیری مشارکتی به ارتقای استقلال در یادگیری، انگیزه، و نگرش مثبت، اعتماد به نفس، رشد مهارت‌های اجتماعی و روابط میان فردی می‌انجامد. اما یافته‌های پژوهش اسلیگل^۸ (۲۰۰۹) حاکی از افزایش ناچیز (اندک) در پیشرفت تحصیلی میان اغلب آزمودنی‌های مطالعات اجتماعی بعد از اجرای راهبرد یادگیری مشارکتی در

^۱. Morris

^۲. Fang Li

^۳. Gillies, R.M. & Ashman, A. F

^۴. Wells

^۵. Bueno

^۶. Panitz

^۷. Ching

^۸. Slagle

کلاس‌های مطالعات اجتماعی بود. چن^۱ (۲۰۱۰) در پژوهشی نشان داد که تعامل در گروه‌های یادگیرنده، موجب تحقق عناصر یادگیری مشارکتی شامل وابستگی متقابل مثبت، تعامل رو در رو، مسئولیت‌پذیری فردی، مهارت‌های اجتماعی، و پردازش گروهی می‌شود. یافته‌های پژوهش گالوتشوگ^۲ (۲۰۱۰) حاکی از آن بود که دانش‌آموزان هنگامی که روابط مناسب به مثابه هم‌گروهی دریافت می‌دارند، بهتر یاد می‌گیرند. یافته‌های پژوهش فیلیپس^۳ (۲۰۱۰) نشان داد دانش‌آموزان احساس مثبت تری، و ارزش‌گذاری فزاینده تری نسبت به یادگیری مشارکتی داشته و حمایت بیشتری نسبت به اعضای گروه‌های شان بروز دادند. نتایج پژوهش جنگا^۴ (۲۰۱۰) حاکی از آن بود که دانش‌آموزانی که در گروه‌های مشارکتی یاد گرفته بودند، بیشتر درگیر امر یادگیری، مسئولیت‌پذیرتر در انجام تکالیف گروهی، و با سازماندهی بیشتر در گروه‌های متعلق به خود بودند. بر اساس پژوهش تولمی و همکاران^۵ (۲۰۱۰) مدل چند سطحی یادگیری مشارکتی، مهارت‌های گروهی دانش‌آموزان را پرورش می‌دهد و تنش‌های ایجاد شده از سوی گفتگوی تعاملی را تعدیل می‌کند.

بر این اساس، پژوهشگران قصد دارند کارایی روش یادگیری مشارکتی را مورد بررسی قرار داده و آثار آن را بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دوره ابتدایی بیازمایند. از این رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر روش یادگیری مشارکتی در رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دوره ابتدایی شهرستان الیگودرز انجام گرفته است. در این راستا، فرضیه‌های زیر مورد بررسی قرار گرفتند:

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- آموزش مشارکتی بر رشد مهارت‌های مربوط به احترام به دیگران تأثیر دارد.
- ۲- آموزش مشارکتی بر رشد مهارت‌های مربوط به انجام وظیفه تأثیر دارد.
- ۳- آموزش مشارکتی بر رشد مهارت‌های مربوط به همکاری با دیگران تأثیر دارد.
- ۴- آموزش مشارکتی بر رشد مهارت‌های مربوط به رعایت مقررات تأثیر دارد.

^۱. Chen

^۲. Galotshoge

^۳. Philips

^۴. Njenga

^۵. Tolmie et al

- ۵- آموزش مشارکتی بر رشد مهارت‌های مربوط به دوست‌یابی تأثیر دارد..
- ۶- آموزش مشارکتی بر رشد مهارت‌های مربوط به مسئولیت‌پذیری تأثیر دارد.
- ۷- آموزش مشارکتی بر رشد مهارت‌های مربوط به فعالیت‌های گروهی تأثیر دارد.
- ۸- آموزش مشارکتی بر رشد مهارت‌های مربوط به تحمل‌پذیری تأثیر دارد.
- ۹- آموزش مشارکتی بر رشد مهارت‌های مربوط به تفکر انتقادی تأثیر دارد.

روش

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کاربردی و روش تحقیق شبه آزمایشی با استفاده از طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل است. در این طرح دو گروه تحت عنوان گروه آزمایش و گروه کنترل وجود دارد. جامعه آماری تحقیق حاضر، کلیه دانش‌آموزان پسر پایه چهارم ناحیه دو شهرستان الیگودرز در سال تحصیلی ۸۸-۸۹ است. تعداد آنها ۱۶۸۳ نفر می‌باشد. نمونه آماری تحقیق ۶۱ نفرند که به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. به این ترتیب که از میان انواع مدارس ابتدایی پسرانه (دولتی، غیرانتفاعی، شاهد) شهرستان الیگودرز (۵۲ مدرسه) مدرسه لاله شاهد انتخاب شد. نهایتاً از میان دانش‌آموزان مدرسه فوق دانش‌آموزان پایه چهارم که شامل سه کلاس بودند به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. سپس با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده از میان کلاس‌های مورد نظر یک کلاس ۳۰ نفره به عنوان گروه آزمایش و یک کلاس ۳۱ نفره به عنوان گروه کنترل انتخاب شد.

ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته ۴۵ گویه‌ای بود که مهارت‌های اجتماعی مورد نظر این پژوهش را می‌سنجد. برای تعیین روایی^۱ ابزار اندازه‌گیری از روایی صوری و محتوایی با استفاده از نقطه نظرات چند تن از استادان رشته جامعه‌شناسی و علوم تربیتی بهره گرفته شد. و برای محاسبه پایایی^۲ آزمون، از روش آزمون‌های هم‌تا استفاده شد. در این تحقیق جهت برآورد پایایی، از آزمون مهارت‌های اجتماعی محقق ساخته و آزمون مهارت‌های اجتماعی گرشام و الیوت استفاده شد که آزمون‌های فوق به صورت هم‌زمان به آزمودنی‌ها داده شد و سپس ضریب همبستگی بین گروه از نمرات محاسبه شد نتیجه حاصل ۰.۷۴ را نشان داد. و روش نمره گذاری پرسشنامه مورد نظر ۴۵ گویه‌ای در مقیاس پنج گانه لیکرت بدین صورت بود که برای

^۱. Validity

^۲. Reliability

گزینه‌ها نمره ۱ تا ۵ در نظر گرفته شد، اما در سؤال‌های ۱۸، ۱۹ و ۴۱ که جهت سؤال‌ها متفاوت بود نمره گذاری به صورت عکس صورت گرفت.

بعد از انتخاب گروه آزمایش و گروه کنترل به صورت تصادفی، آزمون رشد مهارت‌های اجتماعی روی هر دو گروه از دانش‌آموزان به طور همزمان اجرا گردید. سپس گروه تجربی به مدت ۲۵ جلسه در معرض متغیر مستقل (برنامه آموزش مهارت‌های اجتماعی با استفاده از روش مشارکتی به شیوه پژوهش گروهی) قرار گرفتند. ولی در گروه کنترل، آموزش مهارت‌های اجتماعی با استفاده از روش سخنرانی صورت گرفت. نحوه اجرای متغیر مستقل بدین ترتیب بود که: محققان بعد از بیان هدف تحقیق و راهنمایی دانش‌آموزان با چگونگی اجرای روش یادگیری مشارکتی به شیوه پژوهش گروهی، با استفاده از معدل ترم اول دانش‌آموزان و راهنمایی معلم مربوطه، دانش‌آموزان را به گروه‌های نامتجانس (هفت گروه چهار نفره و یک گروه سه نفره) تقسیم کردند. سپس با مشارکت خود دانش‌آموزان قوانینی جهت بهتر یادگیری مشارکتی به شیوه پژوهش گروهی نظیر، رعایت نوبت هنگام، صحبت کردن رعایت ادب و احترام به یکدیگر، اظهار نظر بجا، حضور منظم در کلاس، تمایل به عرضه کار در کلاس، انجام وظایف در زمان مقرر، شریک شدن در استفاده از وسایل یکدیگر، وضع گردید. قوانین در تابلویی نوشته و به دیوار کلاس آویخته شد. بعد از آن در هر جلسه یک مهارت اجتماعی به صورت یک هدف آموزشی توسط محقق بر روی تابلو نوشته می‌شد. سپس توضیحاتی از طرف وی در رابطه با آن مهارت ارائه می‌شد بعد از آن فعالیت‌هایی از طرف محقق به گروهها داده می‌شد، اعضای هر گروه موظف بودند هر کدام راجع به فعالیت یا سؤالی خاصی تحقیق کنند. سپس نتایج حاصل از تحقیق خود را در گروه مورد بحث و گفتگو قرار دهند و نهایتاً پاسخی مشترک که در واقع آن پاسخ، پاسخ گروه محسوب می‌شد توسط نماینده گروه به کل کلاس گزارش می‌شد. بعد از اطمینان از یادگیری مهارت مورد نظر پاداش (نمره) برای هر کدام از گروهها منظور می‌شد که آن پاداش در عین حال پاداش تک تک افراد نیز محسوب می‌شد (تشویق گروهی). بعد از اتمام جلسات آزمایش مجدداً آزمون مهارت‌های اجتماعی در هر دو گروه آزمایش و کنترل مورد اندازه گیری قرار گرفت و نهایتاً نتایج حاصل مورد بررسی و تفسیر قرار گرفت.

در تجزیه و تحلیل آماری اطلاعات مربوط به تحقیق از دو روش آمار توصیفی (برآورد میانگین، انحراف استاندارد و خطای استاندارد نمره گروهها) و در آمار استنباطی از آزمون آماری t مستقل استفاده شد.

یافته‌ها

در این قسمت، یافته‌های توصیفی و استنباطی جهت بررسی و آزمون فرضیه‌ها ارائه می‌شود.

جدول شماره ۱. یافته‌های توصیفی نمرات دو گروه آزمایش و گواه به تفکیک مهارت‌های نه گانه

| شاخص‌های مهارت‌های اجتماعی | شاخص آماری | تعداد | تفاضل میانگین | انحراف استاندارد |
|----------------------------|------------------|----------------------|---------------|------------------|
| فرضیه اول | احترام به دیگران | پیش آزمون و پس آزمون | گواه | ۳۱ |
| | | ۰.۴۰ | ۳.۳۶ | ۰.۵۹ |
| فرضیه دوم | انجام وظیفه | پیش آزمون و پس آزمون | گواه | ۳۱ |
| | | ۰.۷۱ | ۲.۷۴ | ۰.۷۱ |
| فرضیه سوم | همکاری | پیش آزمون و پس آزمون | گواه | ۳۱ |
| | | ۰.۶۵ | ۴.۴۱ | ۱.۲۱ |
| فرضیه چهارم | رعایت مقررات | پیش آزمون و پس آزمون | گواه | ۳۱ |
| | | ۰.۳۸ | ۲.۱۹ | ۰.۸۵ |
| فرضیه پنجم | دوست یابی | پیش آزمون و پس آزمون | گواه | ۳۱ |
| | | ۰.۴۵ | ۳.۶۵ | ۱.۱۴ |
| فرضیه ششم | مسئولیت پذیری | پیش آزمون و پس آزمون | گواه | ۳۱ |
| | | ۱.۳۱ | ۰.۴۹ | ۰.۴۹ |
| فرضیه هفتم | فعالیت‌های گروهی | پیش آزمون و پس آزمون | گواه | ۳۱ |
| | | ۷۰ | ۱.۱۱ | ۱.۱۱ |
| فرضیه هشتم | تحمل پذیری | پیش آزمون و پس آزمون | گواه | ۳۱ |
| | | ۶۶ | ۰.۸۹ | ۳.۵۷ |
| فرضیه نهم | تفکر انتقادی | پیش آزمون و پس آزمون | گواه | ۳۱ |
| | | ۶۹ | ۰.۵۰ | ۰.۹۱ |
| | | ۴۱ | ۰.۵۲ | ۰.۵۲ |

جدول شماره ۲. نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین گروه‌های آزمایش و گواه به تفکیک مهارت‌ها

| مؤلفه‌ها | گروه | تعداد | شاخص‌ها | | درجه آزادی | t | سطح معناداری |
|--------------------------------|--------|-------|---------------|--------------|------------|------|--------------|
| | | | تفاضل میانگین | انحراف معیار | | | |
| فرضیه اول احترام به دیگران | گواه | ۳۱ | ۰.۵۹ | ۱.۱۱ | ۵۹ | ۴/۳۵ | ۰/۰۰۱ |
| | آزمایش | ۳۰ | ۳.۳۶ | ۰.۴۰ | | | |
| فرضیه دوم انجام وظیفه | گواه | ۳۱ | ۰.۸۲ | ۱.۰۱ | ۵۹ | ۶/۷۳ | ۰/۰۰۳ |
| | آزمایش | ۳۰ | ۲.۷۴ | ۰.۷۱ | | | |
| فرضیه سوم همکاری | گواه | ۳۱ | ۱.۲۹ | ۱.۲۱ | ۵۹ | ۶/۹۰ | ۰/۰۰۲ |
| | آزمایش | ۳۰ | ۴.۴۱ | ۰.۶۵ | | | |
| فرضیه چهارم رعایت مقررات | گواه | ۳۱ | ۰.۷۳ | ۰.۸۵ | ۵۹ | ۵/۱۲ | ۰/۰۰۴ |
| | آزمایش | ۳۰ | ۲.۱۹ | ۰.۳۸ | | | |
| فرضیه پنجم دوست یابی | گواه | ۳۱ | ۱.۱۴ | ۰.۹۸ | ۵۹ | ۵/۴۲ | ۰/۰۰۳ |
| | آزمایش | ۳۰ | ۳.۶۵ | ۰.۴۵ | | | |
| فرضیه ششم مسئولیت پذیری | گواه | ۳۱ | ۰.۴۹ | ۱.۳۱ | ۵۹ | ۶/۸۷ | ۰/۰۰۱ |
| | آزمایش | ۳۰ | ۲.۳۶ | ۱.۱۱ | | | |
| فرضیه هفتم فعالیت‌های گروهی | گواه | ۳۱ | ۱.۱۱ | ۷۰ | ۵۹ | ۵/۵۸ | ۰/۰۰۳ |
| | آزمایش | ۳۰ | ۳.۵۷ | ۳۹ | | | |
| فرضیه هشتم تحمل پذیری | گواه | ۳۱ | ۰.۸۹ | ۰.۶۶ | ۵۹ | ۱/۳۵ | ۰/۱۰۱ |
| | آزمایش | ۳۰ | ۰.۹۱ | ۴۲ | | | |
| فرضیه نهم تفکر انتقادی | گواه | ۳۱ | ۰.۵۰ | ۰.۶۹ | ۵۹ | ۲/۵ | ۰/۳۱۲ |
| | آزمایش | ۳۰ | ۰.۵۲ | ۴۱ | | | |

با نگاهی به جدول شماره ۱ و سطح معناداری جدول شماره ۲ به نتایجی دست می‌یابیم. از آنجا که سطح معناداری در فرضیه‌های اول تا هفتم، کمتر از آلفای میزان شده بن فرونی (۰/۰۰۰۵) است؛ از این روی، در مهارت‌های اجتماعی مربوط به احترام به دیگران، انجام وظیفه، همکاری با دیگران، رعایت مقررات، دوست یابی، مسئولیت پذیری، فعالیت‌های گروهی دانش‌آموزان در سطح اطمینان ۹۵٪ بین مهارت‌های اجتماعی دو گروه آزمایش و گواه تفاوت معناداری وجود دارد و این بدان معناست که روش یادگیری مشارکتی، مهارت‌های اجتماعی مربوط به احترام، انجام وظیفه، همکاری با دیگران، رعایت مقررات، دوست یابی، مسئولیت پذیری، فعالیت‌های گروهی دانش‌آموزان را افزایش داده است. در حالی که سطح معناداری در فرضیه‌های هشتم و

نهم، بیشتر از آلفای میزان شده بن فرونی (۰/۰۰۰۵) است؛ در مهارت‌های تحمل‌پذیری و تفکر انتقادی بین مهارت‌های اجتماعی دو گروه آزمایش و گواه تفاوت معناداری وجود ندارد و این بدان معناست که روش یادگیری مشارکتی در رشد مهارت‌های اجتماعی مربوط به تحمل‌پذیری و تفکر انتقادی در دانش‌آموزان تأثیر ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این قسمت نتایج پژوهش حاضر از زاویه‌های توصیفی، استنباطی و مقایسه‌ای با یافته‌های تحقیقات دیگر به بحث گذاشته خواهد شد.

بررسی فرضیه اول. با توجه به یافته‌های جدول‌های شماره ۱ و ۲ فرضیه اول مورد تأیید قرار گرفت که بیانگر تأثیر روش یادگیری مشارکتی در رشد مهارت‌های اجتماعی مربوط به احترام دانش‌آموزان می‌باشد. این نتیجه با نتایج پژوهش کرامتی (۱۳۸۱) روش یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی دختران و پسران مؤثر است، قلناش (۱۳۸۳) تأثیر مثبت یادگیری مشارکتی بر رشد برخی مؤلفه‌های مهارت اجتماعی، سلطانی (۱۳۸۴) تأثیر روش یادگیری مشارکتی در افزایش مهارت‌های اجتماعی، کرامتی (۱۳۸۴) تأثیر جو اجتماعی مثبت مدارس بر پرورش مهارت‌های اجتماعی، فهامی و عزتی (۱۳۸۸) تأثیر معنادار متغیر آزمایشی یعنی یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی، فانگ لی (۲۰۰۲) تأثیر کاربرد یادگیری مشارکتی بر روابط اجتماعی، گیلیس و آشمن (۲۰۰۳) انسجام گروهی و مسئولیت اجتماعی ناشی از مشارکت گروهی، چینگ (۲۰۰۹) اثر یادگیری مشارکتی در ارتقای روابط میان فردی، گالوتشوگ (۲۰۱۰) یادگیری بهتر در اثر روابط مناسب به مثابه همگروهی، جنگا (۲۰۱۰)، تولمی و همکاران (۲۰۱۰) تعدیل تنش‌های ایجاد شده از سوی گفتگوی تعاملی به سبب یادگیری مشارکتی، چن (۲۰۱۰) تعامل و وابستگی و احترام متقابل، فیلیس (۲۰۱۰) احساس مثبت تر و حمایت بیشتری نسبت به اعضای گروه، همسو می‌باشد.

بررسی فرضیه دوم. با توجه به یافته‌های جدول‌های شماره ۱ و ۲ فرضیه دوم مورد تأیید قرار گرفت که بیانگر تأثیر روش یادگیری مشارکتی در رشد مهارت‌های اجتماعی مربوط به انجام وظیفه دانش‌آموزان می‌باشد. این نتیجه با نتایج پژوهش قلناش (۱۳۸۳) تأثیر مثبت یادگیری مشارکتی بر رشد برخی مؤلفه‌های مهارت اجتماعی نظیر انجام وظیفه در برابر دیگران، سلطانی (۱۳۸۴) روش یادگیری مشارکتی باعث افزایش مهارت انجام وظیفه در دانش‌آموزان می‌شود،

کرامتی (۱۳۸۴) و (۱۳۸۶) تأثیر جو اجتماعی مثبت مدارس بر پرورش مهارت انجام مطلوب وظایف دانش‌آموزان، جويس و همکاران (۱۳۸۶) تأثیر مثبت یادگیری مشارکتی در رشد حس وظیفه شناسی و رعایت مقررات و افزایش نمره انضباط یادگیرندگان، موريس (۲۰۰۲) یادگیری مشارکتی می‌تواند به دانش‌آموزان در شناسایی و درک و انجام وظایف کمک کند، گيليس و آشمن (۲۰۰۳) کودکان علاقه به انجام وظایف و مسئولیت اجتماعی برای مشارکت گروهی را نشان دادند، چينگک (۲۰۰۹) تقویت مسئولیت پذیری و انجام وظیفه در یادگیری، جنگا (۲۰۱۰) دانش‌آموزان بیشتر درگیر انجام وظایف فردی و گروهی بودند، چن (۲۰۱۰) تعامل، موجب تحقق انجام وظایف گروهی می‌شود، همسو می‌باشد.

بررسی فرضیه سوم. با توجه به یافته‌های جدول‌های شماره ۱ و ۲ فرضیه سوم مورد تأیید قرار گرفت که بیانگر تأثیر روش یادگیری مشارکتی در رشد مهارت‌های اجتماعی مربوط به همکاری با دیگران از سوی دانش‌آموزان می‌باشد. این نتیجه با نتایج پژوهش قلتاش (۱۳۸۳) تأثیر مثبت یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت همکاری، سلطانی (۱۳۸۴) یادگیری مشارکتی باعث افزایش مهارت همکاری با دیگران در دانش‌آموز می‌شود، کرامتی (۱۳۸۴) و (۱۳۸۶) تأثیر جو مثبت اجتماعی و مشارکتی مدارس بر همکاری دانش‌آموزان، جويس و همکاران (۱۳۸۶) تأثیر مثبت یادگیری مشارکتی در ارتقای حس همکاری، حفنر (۱۹۷۸) دانش‌آموزان گروه‌های یادگیری مشارکتی از خود پنداره‌ی بالایی نسبت به همکاری با یکدیگر برخوردارند، فانگک لی (۲۰۰۲) یادگیری مشارکتی، روابط اجتماعی مبتنی بر همکاری میان معلمان و دانش‌آموزان را تسهیل می‌کند، گيليس و آشمن (۲۰۰۳) کودکان در گروه‌های مشارکتی، برای همکاری با یکدیگر علاقه بیشتری نشان دادند، پانیتز (۲۰۰۸) ارتقای سطح تعامل معلم و دانش‌آموز و روابط رقابتی مثبت؛ ایجاد محیطی فعال، فیلیپس (۲۰۱۰) دانش‌آموزان حمایت بیشتری نسبت به اعضای گروه‌های شان بروز دادند، همسو می‌باشد.

بررسی فرضیه چهارم. با توجه به یافته‌های جدول‌های شماره ۱ و ۲ فرضیه چهارم مورد تأیید قرار گرفت که بیانگر تأثیر روش یادگیری مشارکتی در رشد مهارت‌های اجتماعی مربوط به رعایت مقررات از سوی دانش‌آموزان می‌باشد. این نتیجه با نتایج پژوهش قلتاش (۱۳۸۳) تأثیر مثبت یادگیری مشارکتی بر مهارت رعایت مقررات از سوی دانش‌آموزان، جويس و همکاران (۱۳۸۶)

تأثیر یادگیری مشارکتی در کاهش رفتارهای مخمل نظم و رشد حس رعایت مقررات، موریس (۲۰۰۲) یادگیری مشارکتی می‌تواند به دانش‌آموزان در تأمین رفتارهای مستقل خود نظم دهی کمک کند، گیلیس و آشمن (۲۰۰۳) کودکان در گروه‌های مشارکتی، به کار بر اساس مقررات درون گروهی علاقه‌ی بیشتری نشان دادند، پانیتز (۲۰۰۸) تأثیر یادگیری مشارکتی بر ایجاد محیطی مبتنی بر رعایت مقررات و احترام به قانون، چینگ (۲۰۰۹) یادگیری مشارکتی به ارتقای حس قانون مداری می‌انجامد، همسو می‌باشد.

بررسی فرضیه پنجم. با توجه به یافته‌های جدول‌های شماره ۱ و ۲ فرضیه پنجم مورد تأیید قرار گرفت که بیانگر تأثیر روش یادگیری مشارکتی در رشد مهارت‌های اجتماعی مربوط به دوست‌یابی در دانش‌آموزان می‌باشد. این نتیجه با نتایج پژوهش قلتاش (۱۳۸۳) تأثیر یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت دوست‌یابی دانش‌آموزان، سلطانی (۱۳۸۴)، کرامتی (۱۳۸۴) و (۱۳۸۶) تأثیر جو اجتماعی مثبت مدارس بر ابراز وجود، همدلی و دوستی، اسلاوین (۱۹۷۹) آزمودنی‌های گروه مشارکتی افزایش معناداری را در تعداد دوستان نشان دادند، فانگ لی (۲۰۰۲) یادگیری مشارکتی روابط دوستانه میان معلمان و دانش‌آموزان را تسهیل می‌کند، گیلیس و آشمن (۲۰۰۳) کودکان در گروه‌های مشارکتی برای کار دوستانه با یکدیگر علاقه نشان دادند، پانیتز (۲۰۰۸) تأثیر یادگیری مشارکتی در ارتقای نگرش مثبت به دوستان، فیلیس (۲۰۱۰) دانش‌آموزان احساس مثبت‌تر و حمایت بیشتری نسبت به اعضای گروه و برقراری روابط دوستانه بروز دادند، همسو می‌باشد.

بررسی فرضیه ششم. با توجه به یافته‌های جدول‌های شماره ۱ و ۲ فرضیه ششم مورد تأیید قرار گرفت که بیانگر تأثیر روش یادگیری مشارکتی در رشد مهارت‌های اجتماعی مربوط به مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان می‌باشد. این نتیجه با نتایج پژوهش قلتاش (۱۳۸۳) تأثیر یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت مسئولیت‌پذیری، سلطانی (۱۳۸۴) یادگیری مشارکتی باعث افزایش مهارت مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان می‌شود، کرامتی (۱۳۸۴) و (۱۳۸۶) تأثیر جو مشارکتی مدارس بر مسئولیت‌پذیری، جويس و همکاران (۱۳۸۶) تأثیر یادگیری مشارکتی در حضور منظم و مسئولیت‌پذیرانه‌تر یادگیرندگان، گیلیس و آشمن (۲۰۰۳) کودکان در گروه‌های مشارکتی درک قوی‌تر از مسئولیت اجتماعی را نشان دادند، پانیتز (۲۰۰۸) تأثیر یادگیری مشارکتی بر تقویت مسئولیت‌پذیری در یادگیری، جنگا (۲۰۱۰) دانش‌آموزان در گروه‌های مشارکتی مسئولیت‌پذیرتر

در انجام تکالیف گروهی بودند، چن (۲۰۱۰) تعامل در گروه‌های مشارکتی موجب تحقق مسؤلیت پذیری فردی و گروهی می‌شود، همسو می‌باشد.

بررسی فرضیه هفتم. با توجه به یافته‌های جدول‌های شماره ۱ و ۲ فرضیه هفتم مورد تأیید قرار گرفت که بیانگر تأثیر روش یادگیری مشارکتی در رشد مهارت‌های اجتماعی مربوط به فعالیت‌های گروهی در دانش‌آموزان می‌باشد. این نتیجه با نتایج پژوهش کرامتی (۱۳۸۱) یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت‌های گروهی دختران و پسران مؤثر بوده است، قلتاش (۱۳۸۳) تأثیر یادگیری مشارکتی بر شرکت در فعالیت‌های گروهی، سلطانی (۱۳۸۴) تأثیر یادگیری مشارکتی در افزایش مهارت‌های شرکت در فعالیت‌های گروهی، گیلیس و آشمن (۲۰۰۳) کودکان درک قوی تر از انسجام و مشارکت گروهی را نشان دادند، بوئو (۲۰۰۸) آموزش متمرکز بر یادگیری مشارکتی، مهارت‌های گروهی را افزایش می‌دهد، چینگک (۲۰۰۹) یادگیری مشارکتی به رشد مهارت‌های گروهی و روابط میان فردی می‌انجامد، فیلیس (۲۰۱۰) دانش‌آموزان احساس مثبت تری، و ارزشگذاری فزاینده تری نسبت به اعضای گروه‌های شان بروز دادند، جنگا (۲۰۱۰) دانش‌آموزان در گروه‌های مشارکتی با سازماندهی بیشتر در گروه‌های متعلق به خود بودند، چن (۲۰۱۰) تعامل در گروه‌های یادگیرنده موجب تحقق وابستگی متقابل مثبت، تعامل رو در رو و پردازش گروهی می‌شود، همسو می‌باشد.

بررسی فرضیه هشتم. با توجه به یافته‌های جدول‌های شماره ۱ و ۲ فرضیه هشتم مورد تأیید قرار نگرفت و رد شد. چرا که بین دو گروه تجربی و گواه از نظر مهارت مربوط به تحمل پذیری تفاوت وجود ندارد که بیانگر عدم تأثیر روش یادگیری مشارکتی در رشد مهارت‌های اجتماعی مربوط به تحمل پذیری در دانش‌آموزان می‌باشد. این نتیجه با نتایج پژوهش قلتاش (۱۳۸۳) تأثیر مثبت یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت همدلی و تحمل پذیری در فعالیت‌های گروهی بود، سلطانی (۱۳۸۴) یادگیری مشارکتی باعث افزایش مهارت تحمل پذیری در دانش‌آموزان می‌شود، موریس (۲۰۰۲) یادگیری مشارکتی می‌تواند به دانش‌آموزان در تحمل پذیری آنها کمک کند، پانیتز (۲۰۰۸) تأثیر یادگیری مشارکتی بر تقویت درک گوناگونی و اختلاف نظر، ناهمسو می‌باشد. در حالی که با نتایج پژوهش توماس (۱۹۹۵) تفاوت معناداری در مهارت‌های اجتماعی برای هر دو

گروه آزمایش و گواه مشاهده نشد و اسلیگل (۲۰۰۹) که حکایت از عدم تأثیر گذاری رویکرد یادگیری مشارکتی بر آزمودنی‌ها دارد، همسو است.

بررسی فرضیه نهم. با توجه به یافته‌های جدول‌های شماره ۱ و ۲ فرضیه نهم مورد تأیید قرار نگرفت و رد شد. چرا که بین دو گروه تجربی و گواه از نظر مهارت مربوط به تفکر انتقادی تفاوت وجود ندارد که بیانگر عدم تأثیر روش یادگیری مشارکتی در رشد مهارت‌های اجتماعی مربوط به تفکر انتقادی در دانش‌آموزان می‌باشد. این نتیجه با نتایج پژوهش ولس (۲۰۰۵) دانش‌آموزان در خلال جلسات یادگیری مشارکتی تفکر انتقادی سطح بالاتری داشتند، پانیتز (۲۰۰۸) تأثیر یادگیری مشارکتی بر پرورش مهارت‌های سطح عالی تفکر و تقویت تفکر انتقادی، ناهمسو می‌باشد. در حالی که با نتایج پژوهش توماس (۱۹۹۵) تفاوت معناداری در مهارت‌های اجتماعی بین دو گروه آزمایش و گواه مشاهده نشد و اسلیگل (۲۰۰۹) که حکایت از عدم تأثیر گذاری رویکرد یادگیری مشارکتی بر آزمودنی‌ها دارد، همسو است.

به طور خلاصه، نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن است که روش یادگیری مشارکتی در رشد مهارت‌های اجتماعی مربوط به احترام، انجام وظیفه، همکاری با دیگران، رعایت مقررات، دوست‌یابی، مسئولیت‌پذیری، فعالیت‌های گروهی دانش‌آموزان تأثیر داشته و در رشد مهارت‌های اجتماعی مربوط به تحمل‌پذیری و تفکر انتقادی در دانش‌آموزان تأثیر ندارد.

از آنجا که بررسی فرضیه‌های پژوهش حاضر تأثیر روش یادگیری مشارکتی در رشد مهارت‌های اجتماعی را نشان داد، از این رو، پیشنهاد می‌شود برای ایجاد و پرورش این مهارت‌ها در بین دانش‌آموزان دوره ابتدایی، دست‌اندرکاران امر آموزش و پرورش، اعم از طراحان و معریان، توجه ویژه‌ای به رویکرد یادگیری مشارکتی داشته باشند و در این راستا، طراحان و برنامه‌ریزان درسی، در پی تدوین برنامه‌های درسی و محتوای آموزشی براساس این رویکرد باشند و همچنین معریان برنامه‌ها به ویژه معلمان، درصدد اجرای صحیح رویکرد یادگیری مشارکتی در سطح کلاس‌های شان برآیند. پیشنهاد می‌شود مسئولان آموزش و پرورش به کارگیری یافته‌های جدید در زمینه اثرات یادگیری مشارکتی بر انواع مهارت‌های اجتماعی، پیشرفت علمی و آموزشی را در برنامه کار خود قرار دهند. و همچنین آموزش‌های متناسب اعم از آموزش ضمن خدمت، گروه‌های آموزشی، جلسات انجمن متخصصان برنامه ریزی درسی، انجمن اولیاء و مربیان و ... در

جهت ارایه آموزش‌های لازم برای آشنایی دست اندر کاران امر آموزش و اولیای دانش‌آموزان با رویکرد مشارکتی و مهارت‌های اجتماعی پیشنهاد می‌شود.

منابع

- آقا زاده، محرم. (۱۳۸۴). **راهنمای روش‌های نوین تدریس**، تهران: آبیژ.
- اسلاوین، رابرت. (۱۳۷۱). جمع‌بندی تحقیقات انجام شده پیرامون یادگیری مشارکتی. ترجمه فاطمه فقیهی قزوینی، **فصلنامه تعلیم و تربیت**، سال هشتم، شماره دو.
- بیرامی، منصور و مرادی، علیرضا. (۱۳۸۵). تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر کیفیت اجتماعی دانش‌آموزان. **فصلنامه علمی پژوهشی علوم تربیتی دانشگاه تبریز**، سال اول، شماره ۴.
- جویس، بروس. مارشا ویل و امیلی کالهن. (۱۳۸۶). **الگوهای جدید تدریس**. ترجمه محمد رضا بهرنگی. تهران: کمال تربیت.
- سلطانی، محمد صادق. (۱۳۸۴). **بررسی تأثیر روش یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان پسر سال دوم دبیرستان شهرستان هشترو در سال تحصیلی ۸۲-۸۳** پایان‌نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- سلیمانپور، جواد. (۱۳۸۴). **بررسی میزان مهارت معلمان در بکارگیری انواع شیوه‌ها و الگوهای فعال تدریس و موانع موجود آنها در مدارس دوره ابتدایی استان مازندران در سال تحصیلی (۸۴-۱۳۸۳)**. طرح پژوهشی، مرکز پژوهش و تحقیقات آموزش و پرورش استان مازندران.
- سلیمانپور، جواد. (۱۳۸۴). **مهارت‌های تدریس نوین**، تهران: احسن.
- سیف، علی اکبر. (۱۳۸۰). **روانشناسی پرورشی (روانشناسی یادگیری)**، تهران: آگه.
- عالی، آمنه. (۱۳۸۴). **مقایسه سبکهای مدیریت کلاس بر رشد مهارتهای فراشناختی دانش‌آموزان**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- فهامی، ریحانه و عزتی، محسن. (۱۳۸۸). مطالعه تأثیر یادگیری مشارکتی (تفحص گروهی) بر رشد مؤلفه‌های مهارت اجتماعی دانش‌آموزان دختر پایه پنجم ابتدایی ناحیه ۵ شهر اصفهان در سال تحصیلی ۸۷-۸۸. **رهیافتی نو در مدیریت آموزشی**، سال دوم، شماره چهارم، تابستان. صص ۶۳-۷۶.
- قلتاش، عباس. (۱۳۸۳). **بررسی تأثیر یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان پسر پایه پنجم ابتدایی شهر کره ای در سال تحصیلی ۸۲-۸۳**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده، تهران: دانشگاه تربیت معلم.

- کرامتی، محمد رضا. (۱۳۸۱). *مطالعه تأثیر یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی ریاضی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر مشهد*. پایان نامه دکتری چاپ نشده. تهران: دانشگاه تربیت معلم.
- کرامتی، محمد رضا. (۱۳۸۴). *یادگیری مشارکتی*، تهران: انصار.
- کرامتی، محمد رضا. (۱۳۸۶). *تأثیر یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی ریاضی*. مجله *روان‌شناسی و علوم تربیتی*، دوره ۳۷، شماره ۱.
- مفیدی، فرخنده. (۱۳۷۲). *آموزش و پرورش پیش دبستانی و دبستانی*. تهران: دانشگاه پیام نور.
- مهور، سیامک رضا. (۱۳۷۹). *روان‌شناسی بازی*، شیراز: راهگشا. چاپ دوم.
- Bueno. María de Lourdes Acedo de. (2008). Collaborative Learning and Concept Maps, Implications for Developmental Dyslexic Learners. Concept Mapping: Connecting Educators Proc. Of the Third Int. *Conference on Concept Mapping A. J. Cañas, P. Reiska, M. Åhlberg & J. D. Novak, Eds. Tallinn, Estonia & Helsinki, Finland 2008*
- Chen. Chiakuei. (2010). *A study on integrative cooperative learning into vocabulary learning strategy instruction to increase word recognition of elementary school low archives*. Unpublished master thesis. National Taiwan University of science and technology.
- Ching. Lin-Yi. (2009). *Implementation of Cooperative Learning in Junior High Physical-talent Students English Classes*. Unpublished Master's Thesis. Department of Applied English. <http://etd.lib.stut.edu.tw/ETD-db/ETD-search/search>.
- Fang Li. Chiu. (2002). *An action research on cooperative learning in social studies curriculum in the fifth and sixth grades in an elementary school*. Unpublished master thesis. National Taiwan University of science and technology.
- Galotshoge, Oregolole Rebaeng. (2010). *Integrating cooperative learning in the teaching of art and design in Botswana senior secondary schools*, MEd dissertation, University of Pretoria, Pretoria. <http://upetd.up.ac.za/thesis/available/etd-08272010-154400>
- Gillies, R.M. & Ashman, A. F. (2003). *Cooperative Learning: The social and intellectual outcomes of learning in groups*. London and New York: RoutledgeFalmer 2003, pp. 54-68.
- Gokhale. Anuradha A. (1995). Collaborative Learning Enhances Critical Thinking. *Journal of Technology Education*. ISSN 1045-1064. Vole 7, No 1. <http://scholar.lib.vt.edu/ejournals/JTE/v7n1/gokhale.jte-v7n1.html>.
- Hefner, P. (1989). *The role of science in pannenber's theogical thinking*. *Zygon*®, 24: 135–151. Doi: 10.1111/j.1467-9744.1989.tb01109.x

- Johnson, D. & Johnson, R. (2000). *Cooperative learning methods: A meta-analysis*. Retrieved online April 4, 2007. at: <http://www.co-operation.org/>
- Johnson, D. Roger Johnson. And Mary Beth Stanne (2000). *Cooperative learning methods: A meta-analysis*. University of Minnesota.
- Kutnick, P., Ota, C., & Berdondini, L. (2008). Improving the effects of group working in classrooms with young school-aged children: facilitating attainment, interaction and classroom activity. *Learning & Instruction*, 18, 83e95.
- Morris. Stephanie. (2002). Promoting Social Skills among Students with Nonverbal Learning Disabilities. *Teaching Exceptional Children*, Vol. 34, No. 3, pp. 66-70. Copyright 2002 CEC.
- Njenga. Jonah. (2010). *Evaluation of the effectiveness of cooperative learning structures in empowering students' performance*. Unpublished thesis Louisiana State University. The Interdepartmental Program in Natural Sciences.
- Panitz. Ted. (2008). *44 Benefits of Collaborative Learning*. Posted on Co-Learn mailing list by Ted Panitz. <http://www.gdrc.org/kmgmt/c-learn/index.html>
- Phillips. Susan R. (2010). Student Discussions in Cooperative Learning Groups in a High School Mathematics Classroom: A Descriptive Multiple Cases Study. Unpublished Doctoral thesis. University of Akron.
- Saskatoon Public Schools. (2009). *Instructional strategy online, Cooperative learning*. <http://olc.spsd.sk.ca/DE/PD/coop/index.html>
- Slagle. Daniel R. (2009). *The Use of the Cooperative Learning Strategy STAD to Promote Academic Achievement in a High School Social Studies Class*. Unpublished Master thesis. Masters of Arts in Education.
- Slavin, R. E. (1996). Research on cooperative learning and achievement: What we know, what we need to know. *Contemporary Educational Psychology*, 21, pp. 43-69.
- Smith. Barbara Leigh, Macgregor. Jean T. (1992). *What is Collaborative Learning?* In Collaborative Learning: A Sourcebook for Higher Education, Washington Center for Improving the Quality of Undergraduate Education.
- Thomas, Arthurlyn Christene. (1995). *The effects of certain collaborative strategies and traditional grouping on problem-solving and computational skills in a Virgin Islands elementary school*. Dissertations from Parquets. Paper 3344. <http://scholarlyrepository.miami.edu/dissertations/3344>
- Tolmie. A. K , K. J. Topping, D. Christie, C. Donaldson, C. Howe, E. Jessiman, K. Livingston, A. Thurston. (2010). *Social effects of*

- collaborative learning in primary schools*. Learning and Instruction 20 (2010) 177e191. www.elsevier.com/locate/learninstruc.
- Wells. Terri Lynn. (2005). *Emotion and Culture in a Collaborative Learning Environment for Engineers*. Unpublished Doctoral thesis. University of Texas at Austin.